

تحلیل عوامل مؤثر بر
قاچاق کالا در ایران

هادی فراگوزلو^۱

شعبه‌شناسی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران.

چکیده

قاچاق کالا از جرایم مهمی است که اکثر کشورها به گونه‌های مختلف با آن سروکار دارند. این پدیده می‌تواند لطمه‌های سنگینی را بر پیکره‌ی اقتصادی یک کشور وارد سازد و حتی امنیت ملی آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. تأثیر سوء قاچاق کالا در ایران، به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه موجب اختلال در اعمال و اجرای برنامه‌های دولتی شده است. پیش شرط اساسی برای مبارزه با قاچاق، شناسایی انگیزه‌ها و عواملی است که منجر به شکل‌گیری آن می‌شود. لذا تا زمانی که نتوان این عوامل را به درستی شناسایی نمود، نمی‌توان راهکارهای مناسب و عملی برای کنترل و کاهش آن بکار گرفت. این تحقیق با هدف شناسایی عوامل مؤثر در قاچاق کالا در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و ابزار پژوهش، پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل نخبگان دانشگاهی از رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است که در زمینه قاچاق کالا دارای تجربه مطالعه و تخصص هستند می‌باشد. بر این اساس تعداد ۶۸ پرسشنامه توزیع گردید که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص تعداد ۴۶ پرسشنامه مبانی تحقیق قرار گرفت. روش آماری مورد استفاده تحلیل عاملی و با استفاده از نرم افزار SPSS می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که مهمترین عوامل مؤثر در قاچاق کالا در ایران به عوامل ۱- اقتصادی، ۲- سیاسی - نظامی، ۳- اجتماعی - فرهنگی، ۴- جغرافیایی و ۵- اجرایی - مدیریتی دسته‌بندی می‌شوند که عامل اول یعنی اقتصادی بیشترین سهم (۵۱/۵۲) و عامل اجرایی - مدیریتی کمترین سهم (۵/۰۷) را در تبیین کل متغیرها دارند.

کلیدواژه‌ها: قاچاق، قاچاق کالا، تحلیل عاملی، ایران.

مقدمه

قاچاق کالا از جرایم مهمی است که اکثر کشورها به گونه‌های مختلف با آن سروکار دارند. هرچند پدیده قاچاق کالا کم و بیش تمام کشورهای دنیا را درگیر کرده است ولی وسعت و عمق آن در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است، به طوری که در برخی از کشورهای در حال توسعه قاچاق کالا بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را دربرمیگیرد. قاچاق یا تجارت غیر قانونی کالا به واسطه ماهیت پنهان خود علاوه بر نادیده گرفتن بخش عمده‌ای از عملکرد اقتصادی و حساب‌های ملی کشور، آثار و مسائل عدیده‌ای را بر عرصه‌ی تولید و منابع بخش عمومی و اقتصاد ملی تحمیل می‌نماید و بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در عرصه ملی و استانی دچار مشکل می‌سازد. (رحمن نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

براین اساس، اقتصادهایی که با فراوانی بالا و تعدد قاچاق روبه‌رو هستند با یک بیماری و ناکارآمدی در کنترل مناسبات تولیدی و توزیعی خود مواجه می‌باشند. این جرم امروزه در زمره جرایم فراملی محسوب می‌شود و می‌تواند لطمه‌های سنگینی را بر پیکره‌ی اقتصادی یک کشور وارد سازد و حتی امنیت ملی آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. قاچاق کالا به نظام اطلاعات اقتصادی کشورها آسیب می‌رساند و امکان برنامه‌ریزی برای رشد بلندمدت را از بین می‌برد و از سوی دیگر، باعث کاهش درآمدهای دولت و به هم خوردن تعادل میان بخش‌های تولیدی، بازرگانی و عرضه کالا می‌شود (قلی زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که با این پدیده مواجه می‌باشد و هر ساله از محل این رفتار ناهنجار، هزینه‌ها و خسارت‌های جبران ناپذیر مادی و معنوی به کشور وارد می‌شود (کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۵۹). قاچاق کالا در ایران بیشتر در مناطق مرزی صورت می‌گیرد و گستردگی آن در استان‌هایی که مرز مشترک با کشورهای همسایه دارند به گونه‌ای است که بخش وسیعی از توان نظامی و قضایی کشور صرف مبارزه با

آن می‌شود. تأثیر سوء قاچاق کالا در ایران، به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه موجب اختلال در اعمال و اجرای برنامه‌های دولتی شده و در نهایت، باعث کاهش رشد و رکود اقتصادی کشور بویژه در مناطق حاشیه‌ای و استان‌های مرزی شده است. دلایل مختلفی در بسترهای شکل‌گیری فعالیت‌های غیر قانونی نقش دارند و هر یک به سهم خود، بستر لازم برای چنین فعالیت‌هایی را فراهم می‌کنند. شناخت عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های غیر قانونی می‌تواند سهم بسزایی در تدوین راهکارهای مبارزه با آن داشته باشد (برخورداری و ناظمان، ۱۳۸۸: ۳۰۹). عبارتی پیش شرط اساسی برای مبارزه با قاچاق، شناسایی انگیزه‌ها و عواملی است که منجر به شکل‌گیری آن می‌شود. لذا تا زمانی که نتوان این عوامل را به درستی شناسایی نمود، نمی‌توان راهکارهای مناسب و عملی برای کنترل و کاهش آن بکار گرفت. بر این اساس در تحقیق حاضر تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که «مهمترین عوامل مؤثر در قاچاق کالا در ایران چه می‌باشد؟»

مبانی نظری

ریشه لغوی قاچاق به زبان آلمانی یا هلندی بر می‌گردد. قاچاق در زبان آلمانی برابر با Schmuggeln که به معنای حمل و نقل غیر قانونی کالا است. واژه دیگری که در زبان انگلیسی معادل قاچاق مورد استفاده قرار گرفته اصطلاح Contrebande بوده که در قرون وسطی در زبان فرانسه رایج بوده و در سال ۱۵۲۹ وارد انگلیسی شده و مورد کاربرد قرار گرفته است. این واژه به حرکت پنهان این پدیده در فضای جغرافیایی اطلاق می‌گردد (میرشکاران و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۴). در علم اقتصاد به صورت مشخص به ورود و خروج کالا که به صورت مخفیانه از مرزهای کشور وارد و یا خارج شود، قاچاق می‌گویند. صادرات و یا واردات کالاهای ممنوعه و انحصاری، مثل انسان، مواد مخدر، زنان و کودکان، سوخت، اعضای بدن، دارو، ارز، اسلحه، مشروبات الکلی و ده-ها مورد دیگر را می‌توان از مصادیق قاچاق نامید (tamura, 2010: 9). قاچاق صرفاً

ناظر به مبادی ورودی و خروجی و مرزهای جغرافیایی نمی‌گردد، بلکه نگهداری، حمل و توزیع کالای فاقد مجوز قانونی در داخل کشور نیز قاچاق محسوب می‌شود. اصطلاح اقتصاد سیاه یا بخش غیرقانونی جامعه نیز برای قاچاق کالا به کار می‌رود که در این بخش، همانند اقتصاد اندازه‌گیری شده رسمی، کالاها و خدمات تولید می‌شود، اشتغال و درآمد ایجاد می‌شود، اما فعالیت‌ها در این بخش غیرقانونی است و به دلیل طبیعت غیرقانونی آن، موضوع بسیار مهمی برای دولت و جامعه محسوب می‌گردد (Chugh and Uppal, 1986: 6 به نقل از کهنه‌پوش و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۲)

قاچاق کالا پدیده‌ای است که با توجه به شرایط خاص یک کشور با عوامل متعددی ارتباط دارد که این عوامل به سه دسته کلی قابل تقسیم است: ۱- عوامل ساختاری: این عوامل عبارتند از کلیه عوامل غیرانسانی مانند قوانین و مقررات سیستم‌ها و روش‌های انجام امر، تکنولوژی، سیاست‌ها و استراتژی‌ها و نظایر آن‌ها که نامناسب بودن این عوامل به امر قاچاق منجر می‌شود. ۲- عوامل رفتاری: این عوامل مربوط است به نیروی انسانی که مبادرت به قاچاق کالا می‌کنند و یا کسانی که با این امر درگیر هستند. ۳- عوامل زمینه‌ای: این عوامل عبارتند از کلیه عواملی که خارج از حیطه اختیارات هر یک از سازمان‌های ذی‌ربط و زمینه‌ساز بروز عوامل ساختاری و رفتاری هستند. از جمله نرخ بالای بیکاری و کمبود امکانات و زیرساخت‌های اساسی جهت تولید و اشتغال و نبود امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در استان‌های مرزی، وجود تفاوت قیمت در دوسوی مرزها، حاکمیت فرهنگ دلالی و واسطه‌گری، کیفیت نامطلوب کالاهای داخلی (کمان‌باز و دیگران، ۱۳۹۴: ۴). در ارتباط با موضوع قاچاق و عوامل اثرگذار بر آن مطالعات مختلفی صورت گرفته است که می‌توان به تحقیقات زیر اشاره داشت:

کریم زاده (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان" نشان می‌دهد که عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و عوامل اجرایی - مدیریتی در گسترش و گرایش به قاچاق کالا در شهرستان سراوان تأثرگذار بوده و به ترتیب از نظر شهروندان عوامل

اقتصادی دارای بالاترین و عوامل فرهنگی - اجتماعی دارای کمترین تأثیر بر گسترش قاچاق کالا بوده‌اند.

جان‌پرور و دیگران (۱۳۹۳) در تحقیقی به "تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزها راهبرد اولیه مدیریت مرزهای ایران" پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این بررسی حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در طول مرزهای ایران شامل عوامل جغرافیایی (طول مرزها، جغرافیای طبیعی مرزها و ...) و عوامل اقتصادی (نابرابری‌های فضایی، بیکاری)، عوامل فرهنگی (فرهنگ عمومی، افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی و ...)، عوامل سیاسی (تعداد همسایگان، میزان اعمال حاکمیت کشورهای همسایه در قلمرو خود و ...) است.

اصلائی اسلمرز و دیگران (۱۳۹۴) در تحقیقی به "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان بانه به قاچاق کالا" پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل اجتماعی تأثیر بسزایی در گرایش به قاچاق در این منطقه دارند. البته این رابطه تحت تأثیر توسعه نیافتگی همه جانبه منطقه قرار گرفته است.

قلی‌زاده و دیگران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان "علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی" به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بودند که عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران کدامند و چه تأثیری بر نظام اقتصادی کشور دارند؟ نتایج پژوهش بیانگر این موضوع است که عوامل متعددی در قاچاق کالا در ایران مؤثر هستند؛ اما مهم‌ترین آنها به ترتیب عبارتند از: تعرفه‌های بالای کالاها، بیکاری و توسعه نیافتگی مناطق مرزی، خطرپذیری پایین قاچاق، مناطق آزاد و بازارچه‌های مرزی و یارانه‌ها. هم‌چنین بر اساس یافته‌های پژوهش، قاچاق کالا باعث رانت خواری، نامتعادل شدن اقتصاد، عدم تعادل در قیمت کالاها، به هم ریختگی در تولید، از بین رفتن بازار کار و ناکارآمدی نظام اطلاعات کشور شده است.

رحمن‌نژاد و دیگران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان "عوامل مؤثر بر پدیده‌ی قاچاق کالا در مناطق مرزی" به بررسی رابطه میان ایجاد زمینه‌های اشتغال و کاهش

گرایش به قاچاق، عدم آگاهی به مضرات قاچاق و ضربه بر پیکره‌ی اقتصاد ملی و افزایش قاچاق در بین جوانان، محرومیت و وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد و انجام شغل قاچاق پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که میان این شاخص‌ها رابطه معناداری وجود داشته است.

شاطریان و دیگران (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان "تأثیر وضعیت اجتماعی اقتصادی مرزنشینان بر قاچاق کالا (مطالعه‌ی موردی: استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر و کردستان)" به ارائه راهکارهای آمایشی برای کاهش قاچاق کالا از طریق بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی مرزنشینان پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که با راهبرد تغییر جهت هوشمندانه می‌توان میزان قاچاق را در سه استان مذکور کاهش داد. این راهبرد شامل: ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری جوانان در کارآفرینی و بنگاه‌های زودبازده، گسترش مبادلات اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی، استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک منطقه در همجواری با کشورهای همسایه، ایجاد شرایط مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری در منطقه با استفاده از نیروهای متخصص و بومی، شفاف سازی قیمت‌ها است.

ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راه کارهای رفع آن" به این نتیجه رسیده‌اند که ساکنان این مناطق اغلب افرادی هستند که زمینه‌های مساعد برای اشتغال سالم را ندارند و به قاچاق و فعالیت‌های غیرقانونی برای کسب درآمد روی می‌آورند. پدیده قاچاق کالا یک پدیده چند وجهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی است. همچنین سودآوری بالای قاچاق کالا از مهم‌ترین دلایل گرایش به این امر می‌باشد.

ارگبین (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی علل، شدت و زیان‌های قاچاق در نیجریه» عنوان می‌کند که ضعف قوانین، فساد اداری، پایین بودن کیفیت کالاهای داخلی و عدم هماهنگی میان سازمان‌ها و ادارات، مهم‌ترین عامل در گسترش قاچاق در کشور نیجریه است.

تامورا (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «مرز و قاچاق انسان» به بررسی مهمترین عواملی که منجر به قاچاق انسان در کشورهای جهان سوم می‌شود پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که عوامل اقتصادی مهمترین عامل در قاچاق انسان در کشورهای جهان سوم می‌باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و روش تحقیق بصورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از تکمیل پرسشنامه بوده است. با توجه به هدف تحقیق که شناسایی مهمترین عوامل مؤثر در قاچاق کالا در کشور ایران است، جامعه آماری تحقیق شامل نخبگان دانشگاهی از رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است که در زمینه موضوع قاچاق تجربه مطالعه و دارای تخصص هستند می‌باشد. بر این اساس تعداد ۶۸ پرسشنامه توزیع گردید که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص تعداد ۴۶ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (n=۴۶).

شاخص‌های تحقیق با توجه به ادبیات پژوهش و مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته و همچنین با نظرخواهی از کارشناسان تعیین گردید. سنجش روایی ابزار به کمک ۱۰ نفر از متخصصین و خبرگان بررسی شد و میزان پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ، اعتبار ۰/۸۰۵ به دست آمد. روش آماری مورد استفاده تحلیل عاملی می‌باشد. تحلیل عاملی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هدف محقق یافتن عامل‌های مکنون جهت تلخیص داده‌ها از بین مجموعه‌ای از آن‌ها باشد، روش کارآیی است. هدف بیشتر مطالعات تحلیل عاملی خلاصه کردن ماتریس همبستگی‌ها به شیوه‌ای است که بتوان آن‌ها را بر حسب چند عامل زیربنایی تبیین کرد. برای پردازش داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده است.

یافته های تحقیق

الف) اولویت بندی متغیرهای مؤثر در قاچاق کالا

در تحقیق حاضر برای اولویت بندی متغیرهای مؤثر در قاچاق کالا از ۲۸ گویه استفاده شده است. برای سنجش دیدگاه پاسخگویان از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده گردید که از خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴)، و خیلی زیاد (۵) رتبه بندی شده است. جدول ۱ نظرات پاسخگویان در ارتباط مهمترین عوامل مؤثر در قاچاق در ایران را نشان می دهد.

جدول ۱. رتبه بندی شاخص های مؤثر بر قاچاق کالا در ایران

رتبه	شاخص	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	بیکاری	۴/۲۴	۰/۸۳۶	۱۷/۳۵
۲	فقر و سطح پایین زندگی	۴/۱۵	۰/۸۶۸	۲۰/۹۱
۳	درآمد بالای قاچاق نسبت به مشاغل رسمی	۴/۰۷	۰/۸۵۴	۲۰/۹۸
۴	تبعیض میان استان های مرزی و مرکزی	۴/۰۲	۰/۹۰۶	۲۲/۵۳
۵	وجود پیوندهای قومی و زبانی	۳/۹۸	۰/۵۳۷	۱۳/۴۹
۶	جغرافیای طبیعی مناطق مرزی	۳/۹۳	۰/۸۰۰	۲۰/۳۵
۷	فرهنگ عمومی قاچاق	۳/۹۱	۰/۹۱۵	۲۳/۴۰
۸	ضعف تولیدات داخلی	۳/۸۹	۱/۰۵۹	۲۷/۲۲
۹	ضعف حاکمیت کشورهای همسایه	۳/۸۵	۰/۸۹۴	۲۳/۲۲
۱۰	ناهمسانی قیمت کالا در داخل و خارج	۳/۷۶	۰/۹۹۳	۲۶/۴۰
۱۱	طول مرزها	۳/۷۴	۱/۰۴۲	۲۷/۸۶
۱۲	ضعف قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی	۳/۷۰	۰/۹۴۰	۲۵/۴۰
۱۳	نیاز داخلی (عدم تناسب بین عرضه و تقاضا)	۳/۵۷	۱/۰۰۳	۲۸/۰۹
۱۴	حضور و اشغال کشورهای همسایه توسط بیگانگان	۳/۵۴	۰/۸۸۷	۲۵/۰۵
۱۵	الگوی ترکیبی ملت ایران	۳/۵۲	۱/۳۱۲	۳۷/۲۷

رتبه	شاخص	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱۶	دولتی بودن اقتصاد و ضعف بخش خصوصی	۳/۴۸	۱/۰۷۰	۳۰/۷۴
۱۷	تعدد همسایگان	۳/۴۶	۰/۶۹۰	۱۹/۹۴
۱۸	پرداخت یارانه به برخی از کالاها	۳/۳۷	۱/۱۰۳	۳۲/۷۲
۱۹	موقعیت محوری و استراتژیکی ایران	۳/۲۲	۱/۰۹۴	۳۳/۹۷
۲۰	ممنوعیت ورود بعضی کالاها	۳/۱۳	۰/۸۰۶	۲۵/۷۵
۲۱	تبلیغات گسترده برای کالای خارجی	۳/۱۱	۰/۴۸۲	۱۵/۴۹
۲۲	افزایش فرهنگ مصرف گرایی در کشور	۲/۹۸	۰/۶۱۴	۲۰/۶۰
۲۳	پایین بودن مجازات	۲/۸۷	۰/۸۰۶	۲۸/۰۸
۲۴	ضعف روابط سیاسی با کشورهای همسایه	۲/۸۵	۰/۶۹۸	۲۴/۴۹
۲۵	عدم هماهنگی میان ارگان ها	۲/۵۴	۰/۸۳۶	۳۲/۹۱
۲۶	فساد اداری	۲/۴۸	۰/۵۴۷	۲۲/۰۵
۲۷	عدم نظارت صحیح بر مرزها	۲/۳۹	۰/۴۹۳	۲۰/۶۳
۲۸	دانش ناکافی در مبارزه با قاچاق	۲/۰۷	۰/۶۴۶	۳۱/۲۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همانگونه که مشاهده می‌شود مقایسه میانگین نظرات کارشناسان نشان می‌دهد که پنج متغیر مهم در قاچاق در ایران به ترتیب: «بیکاری» با میانگین ۴/۲۴، «فقر و سطح پایین زندگی» با میانگین ۴/۱۵، «درآمد بالای قاچاق نسبت به مشاغل رسمی» با میانگین ۴/۰۷، «تبعیض میان استان‌های مرزی و مرکزی» با میانگین ۴/۰۲ و «وجود بیوندهای قومی و زبانی» با میانگین ۳/۹۸ هستند.

ب) تحلیل عاملی مؤلفه‌های مؤثر بر قاچاق کالا در ایران

در تحقیق حاضر از تحلیل عاملی اکتشافی با رویکرد تلخیص داده‌ها استفاده شده



پژوهش‌های اقتصادی
موسسه ملی پژوهش‌های اقتصادی

است. بررسی آزمون KMO^1 و بارتلت^۲: در تحقیق حاضر مقدار KMO برابر با $0/83$ به دست آمد که نشان می‌دهد وضعیت داده‌ها برای تحلیل عاملی در حد خوب است. از طرفی، آماره بارتلت نیز در سطح 99 درصد اطمینان معنی‌دار است ($X^2=5583/871$ و $p=0/000$) که حاکی از این موضوع است که ماتریس همبستگی‌هایی که پایه تحلیل عاملی قرار می‌گیرند در جامعه برابر با صفر نیست. در این تحقیق مبنای معنی‌داری بار عاملی $0/50$ تعیین شد. برای تعیین تعداد عوامل با توجه به ملاک کیسر^۳ (قرار دادن مقدار ویژه 1 برای تعیین تعداد عامل‌ها)، پنج عامل استخراج شدند. در جدول 2 تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه هر یک از آن‌ها، درصد واریانس هر یک از عوامل و فراوانی تجمعی درصد واریانس بیان شده است.

جدول ۲. عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه،

درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
اقتصادی	۲/۵۷۶	۵۱/۵۲	۵۱/۵۲
سیاسی - نظامی	۱/۱۷۳	۲۳/۴۶	۷۴/۹۹
اجتماعی - فرهنگی	۰/۵۳۵	۱۰/۶۹	۸۵/۶۹
جغرافیایی	۰/۴۶۲	۹/۲۳	۹۴/۹۲
اجرایی - مدیریتی	۰/۲۵۴	۵/۰۷	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مشخصه ویژه که در واقع مجموع مجذورات بارهای عاملی هر عامل است، واریانس تبیین شده به وسیله آن عامل را تبیین می‌کند. این مقدار کل واریانس، ریشه

مشخصه یا ارزش ویژه عامل است که هر چقدر ارزش ویژه عاملی زیاد باشد آن عامل واریانس بیشتری را تبیین می‌کند. بر مبنای این مقدار و بعد از چرخش عاملی به روش واریماکس، در تحقیق حاضر پنج عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شدند که به ترتیب گزارش حداکثر واریانس مرتب شده‌اند. این عامل‌ها با توجه به ماهیت عوامل مؤثر در قاچاق در ایران نامگذاری شده‌اند.

جدول ۳. عوامل و شاخص‌های مؤثر بر قاچاق کالا در ایران به همراه بار عاملی

بار عاملی	شاخص	نام عامل
۰/۹۰۰	تبعیض میان استان‌های مرزی و مرکزی	عوامل اقتصادی
۰/۷۶۴	نیاز داخلی (عدم تناسب بین عرضه و تقاضا)	
۰/۸۳۲	بیکاری	
۰/۸۷۰	فقر و سطح پایین زندگی	
۰/۷۶۴	درآمد بالای قاچاق نسبت به مشاغل رسمی	
۰/۹۰۴	پرداخت یارانه به برخی از کالاها	
۰/۹۰۱	ضعف تولیدات داخلی	
۰/۸۶۴	دولتی بودن اقتصاد و ضعف بخش خصوصی	
۰/۸۰۸	ممنوعیت ورود بعضی کالاها	
۰/۹۲۲	ناهمسانی قیمت کالا در داخل و خارج	
۰/۵۵۷	تعدد همسایگان	عوامل سیاسی - نظامی
۰/۹۰۰	ضعف حاکمیت کشورهای همسایه	
۰/۸۲۷	عدم نظارت صحیح بر مرزها	
۰/۶۰۸	حضور و اشغال کشورهای همسایه توسط بیگانگان	
۰/۸۴۷	ضعف روابط سیاسی با کشورهای همسایه	عوامل اجتماعی - فرهنگی
۰/۶۰۴	وجود پیوندهای قومی و زبانی	
۰/۷۶۷	فرهنگ عمومی قاچاق	
۰/۸۹۳	افزایش فرهنگ مصرف گرایی در کشور	
۰/۷۷۳	تبلیغات گسترده برای کالای خارجی	

بار عاملی	شاخص	نام عامل
۰/۸۵۰	جغرافیای طبیعی مناطق مرزی	عوامل جغرافیایی
۰/۶۳۷	موقعیت محوری و استراتژیکی ایران	
۰/۷۳۳	طول مرزها	
۰/۵۸۴	الگوی ترکیبی ملت ایران	
۰/۹۱۲	ضعف قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی	عوامل اجرایی - مدیریتی
۰/۶۴۶	عدم هماهنگی میان ارگانها	
۰/۶۸۵	دانش ناکافی در مبارزه با قاچاق	
۰/۷۴۹	فساد اداری	
۰/۹۱۷	پایین بودن مجازات	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج تحلیل عاملی حاکی از آن است که مهمترین عوامل مؤثر در قاچاق کالا در ایران به عوامل ۱- اقتصادی، ۲- سیاسی - نظامی، ۳- اجتماعی - فرهنگی، ۴- جغرافیایی و ۵- اجرایی - مدیریتی دسته بندی می‌شوند که عامل اول یعنی اقتصادی بیشترین سهم (۵۱/۵۲) و عامل اجرایی - مدیریتی کمترین سهم (۵/۰۷) را در تبیین کل متغیرها دارند. بنابراین عوامل اقتصادی با مقدار ویژه ۲/۵۷ مهمترین چالش در قاچاق کالا در کشور می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق حکایت از آن دارد که مهمترین دلیل قاچاق در ایران بدلیل «بیکاری» و به تبع آن «فقر و سطح پایین زندگی» است. «درآمد بالای قاچاق نسبت به مشاغل رسمی»، «تبعیض میان استان‌های مرزی و مرکزی» و «وجود پیوندهای قومی و زبانی میان مردم دو سوی مرز» از دیگر متغیرهایی می‌باشد که بر قاچاق در کشور مؤثر بوده و رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده است. نتایج تحلیل عاملی حاکی از این موضوع

است که عوامل مؤثر بر قاچاق در ایران در پنج عامل به شرح زیر خلاصه می‌گردند:

عامل اول به نام "عامل اقتصادی" نامگذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه آن (۲/۵۷) که از سایر عوامل بیشتر است، ۵۱/۵۲ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. بخش اعظم قاچاق کالا در ایران مربوط به مناطق و استان‌های مرزی است. مناطق مرزی به دلیل فقدان توسعه و ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی دارای مراکز اشتغال‌زا نمی‌باشند. این امر در کنار وجود جمعیت جوان سبب افزایش نرخ بیکاری در این مناطق شده است؛ نرخ بیکاری بالا در این مناطق و فشارهای اقتصادی بر افراد سبب شده است به قاچاق روی آورند. متوسط نرخ بیکاری در استان‌های مرزی اردبیل، بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، گلستان، گیلان و هرمزگان بالاتر از سطح متوسط کشور می‌باشد. این مناطق همزمان از بار فشار دوگانه توسعه نیافتگی و حاشیه‌ای بودن رنج می‌برند. این نابرابری فضایی بین مناطق مرکزی و مناطق مرزی زمینه ساز بروز فقر، بیکاری و حاشیه نشینی شده و وجود مسائلی از این قبیل مرز نشینان را به ناچار به سمت قاچاق کالا سوق داده است. از سوی دیگر این نابرابری می‌تواند موجب شکاف سیاسی شده و به لطمه دیدن انسجام و یکپارچگی ملی منجر گردد. بخش دیگری از تمایل به قاچاق بدلیل سودآوری بالای آن است و این سود، ناشی از تفاوت قیمت در بازار داخل با کشورهای همجوار است. سودهایی که از صادرات غیر رسمی برخی کالاهای یارانه‌ای (مانند فرآورده‌های نفتی، آرد، دارو و غیره) کسب می‌شود به انگیزه‌ای قوی برای تمایل به قاچاق شده است.

عامل دوم به نام "عوامل سیاسی - نظامی" نامگذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه ۱/۱۷۳، مقدار ۲۳/۴۶ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. ایران به همراه چین و بعد از کشور روسیه رکورددار تعداد همسایه در جهان است. این تعدد همسایگان نیازمند همکاری متقابل و دو سویه برای کنترل و مدیریت مرزها است. لذا تلاش‌های یک‌طرفه صورت گرفته از طرف یک کشور هرچند در سطح بالایی باشد نمی‌تواند زمینه مدیریت و کنترل بهینه مرزها را فراهم آورد. از سوی دیگر اغلب

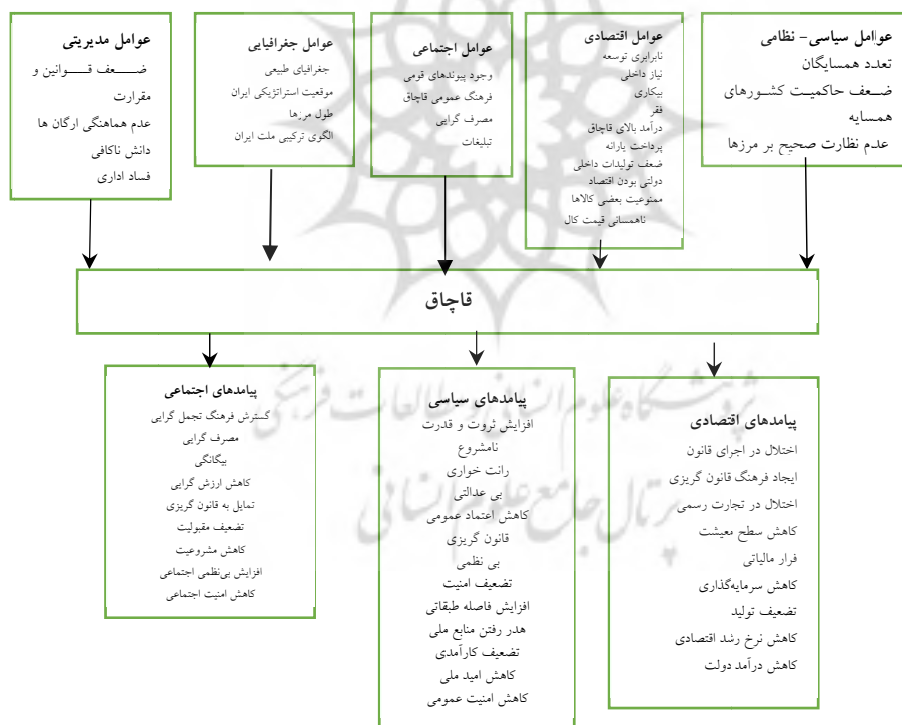
کشورهای همسایه ایران دارای قدرت و حاکمیتی ضعیفی بر قلمرو خود هستند. به عنوان مثال، کشور افغانستان به دلیل فقدان یک دولت قوی نمی‌تواند بر سرزمین خود حاکمیت قوی داشته باشد که این امر باعث تردهای متعدد غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا به سوی ایران و برعکس شده است. کشور پاکستان، عراق و کشورهای جنوبی خلیج فارس نیز دارای توانایی‌های لازم برای حاکمیت قوی بر سرزمین‌های خود نمی‌باشند که این امر سبب گسترش تردهای غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا در طول مرزهای ایران شده است. علاوه بر موارد بیان شده حضور و نفوذ نیروهای بیگانه (بویژه آمریکا و انگلیس که دشمنی دیرینه با جمهوری اسلامی ایران دارند) در عراق، افغانستان و حوزه خلیج فارس موجب بروز چالش‌های جدی در امنیت مرزها و استان‌های مرزی شده است.

عامل سوم به نام «عوامل اجتماعی - فرهنگی» نامگذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه ۰/۵۳۵، مقدار ۱۰/۶۹ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. در کشور ایران در برخی از استان‌ها وجود خویشاوندی و اشتراکات قومی - زبانی بین مرزنشینان در دو سوی مرز، موجب رفت و آمدهای غیرقانونی شده است. در کنار این تردهای غیرمجاز مرزی حمل کالاهای قاچاق و کسب سود برای تأمین نیازهای دو طرف صورت می‌گیرد. همچنین در برخی از استان‌های مرزی به دلیل ازدیاد قاچاق، این پدیده یک امر عادی شناخته شده و زشتی و قبح خود را از دست داده و بصورت یک فرهنگ در آمده است. علاوه بر این طی سال‌های اخیر با گسترش رسانه‌های جمعی و تبلیغات گسترده‌ای که از سوی رسانه‌ها صورت می‌گیرد، فرهنگ عمومی به سمت مصرف‌گرایی و استفاده از کالاهای خارجی میل پیدا کرده است. بخشی از این تمایل به دلیل مرغوبیت کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی است و بخش دیگر به دلیل تنزل ارزش کالای خارجی نسبت به نوع مشابه تولید داخلی می‌باشد.

عامل چهارم به نام «عوامل جغرافیایی» نامگذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه ۰/۴۶۲، مقدار ۹/۲۳ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. جمهوری

اسلامی ایران با مساحت ۱,۶۴۷,۱۹۵ کیلومتر مربع، دارای مرزهای طولانی با همسایگان است. طول مرزهای ایران بالغ بر ۸,۷۳۱ کیلومتر است که این گستردگی مرزها در کنار موقعیت محوری و استراتژیکی ایران، نظارت و کنترل مرزها را دشوار ساخته است. علاوه بر این جغرافیای طبیعی مناطق مرزی همچون ناهمواری‌ها، کوه‌ها، دره‌ها و غیره نیز دشواری کنترل و نظارت بر مرزها را دوچندان نموده است. تداخل و اشتراکات قومی - زبانی و مذهبی بین مناطق مرزی ایران با برخی کشورهای همسایه موجب شده است که این گروه‌ها از نظر اجتماعی خود را یک قوم به حساب آورند و در نتیجه تردد غیرمجاز و قاچاق کالا گسترش یابد.

شکل ۱. عوامل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران



مأخذ: یافته‌های تحقیق

عامل پنجم به نام «اجرایی - مدیریتی» نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه ۰/۲۵۴، مقدار ۵/۰۷ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. بخشی از عواملی که زمینه ساز قاچاق در کشور ایران می‌شود بدلیل عدم وجود قوانین شفاف و روشن، عدم هماهنگی میان ارگان‌های مرتبط و پایین بودن مجازات است.

یافته‌های این تحقیق و همچنین نتایج مطالعات مشابهی که پیرامون قاچاق کالا صورت گرفته بیانگر این نکته است که قاچاق کالا پدیده‌ای تک علتی نیست و محصول و پیامد مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - نظامی، جغرافیایی و اجرایی - مدیریتی است. هرچند در این میان نقش عوامل اقتصادی محوری‌تر از سایر عوامل می‌باشد. برخی از عوامل اجتناب‌ناپذیر بوده و نمی‌توان آن را کنترل و یا از میان برداشت؛ از جمله این عوامل می‌توان به تعدد همسایگان ایران، طول مرزها، جغرافیای طبیعی مناطق مرزی و اشتراکات قومی و زبانی برخی از استان - های مرزی با کشورهای همسایه اشاره کرد. در مقابل برخی از عواملی قابل کنترل و رفع شدن می‌باشند. لذا با توجه به مطالب عنوان شده پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- افزایش زمینه‌های اشتغال در استان‌های مرزی.
- بالا بردن سطح کیفیت زندگی در استان‌های مرزی.
- حمایت از تولیدات داخلی و ترغیب تولیدکنندگان به بالابردن سطح کیفیت کالاها.
- بالابردن سطح آموزش و سواد در مناطق حاشیه‌ای و استان‌های مرزی.
- فرهنگ‌سازی در ارتباط با مصرف کالاهای داخلی.
- اطلاع رسانی و آموزش از طریق رسانه‌های جمعی به منظور آگاهی بخشی از اثرات سوء قاچاق.
- مکانیزه کردن و استفاده از سیستم‌های مراقبتی در مناطق حساس مرزی که امکان استفاده از نیروی انسانی وجود ندارد.
- شفاف‌سازی قوانین گمرکی.

- همکاری ارگان‌های دولتی با مراکز انتظامی و مرزبانان.
- بکارگیری نیروی متعهد و باتجربه در سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط.
- نظارت بر تبلیغات کالاهای خارجی از طریق رسانه‌های جمعی.
- کاهش تبعیض میان مناطق مرکزی با استان‌های حاشیه‌ای از نظر برخورداری از خدمات و امکانات.
- تقاضا و هماهنگی با کشورهای همسایه برای مراقبت از مرزهای مشترک.
- افزایش همکاری‌های بین‌المللی برای کاهش تردد قاچاق از مسیر ایران.
- تشدید مجازات در برخورد با قاچاقچیان.



مأخذ

- ابراهیم زاده آسمین، حسین، مجتبی عباسیان؛ (۱۳۹۱)، بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال هفتم، شماره ۳۱.
- اصلانی اسلمرز، عابد، سعید دیندارولو، امید اصلانی اسلمرز؛ (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان بانه‌ای به قاچاق کالا (زمینه‌ها و راهکارها)، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲.
- برخوردار، سجاد، حمید ناظم‌ان؛ (۱۳۸۸)، نگاهی نو به پدیده قاچاق بعد از عضویت در WTO، انتشارات معاونت پژوهش و آمار و اطلاعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- جان‌پرور، محسن، محمد قصری؛ (۱۳۹۳)، تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزها راهبرد اولیه مدیریت مرزهای ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انتظامی، سال دوم، شماره ۷.
- رحمن‌نژاد، ارسلان، ثریا رحمانی، حلیمه ابراهیمی؛ (۱۳۹۱)، عوامل مؤثر بر پدیده قاچاق کالا در مناطق مرزی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوم، شماره ۱.
- شاطریان، محسن، محمود گنجی‌پور، امیر اشنویی؛ (۱۳۹۲)، تأثیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی مرزنشینان بر قاچاق کالا، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲.
- قلی‌زاده، سیدابراهیم؛ عباس علی‌پور، کاظم، ذوقی بارانی؛ (۱۳۹۰)، علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۲، شماره ۴.
- کریم‌زاده، مجید؛ (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲.
- کلاتری، محسن؛ (۱۳۹۵)، تحلیل الگوهای فضایی و دامنه‌ی برد قاچاق کالا در مناطق مرزی کشور (مطالعه موردی: قاچاق ارزاق عمومی در استان بوشهر)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۱.
- کمان‌باز، معصومه، مرضیه علی‌پور، شاهرخ رستمی، حسن پیلارام، سمیه شهرکی؛

- (۱۳۹۴)، تحلیل اثرات اقتصادی - اجتماعی قاچاق کالا بر روستاهای مرزی منطقه سیستان، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال ششم، شماره ۴.
- کهنه پوشی، هادی، حمید شایان؛ (۱۳۹۲)، بررسی تأثیرات اقتصادی قاچاق کالا بر شهرهای مرزی، مطالعه موردی: شهر مریوان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۲۹.
- میرشکاران، یحیی، علی صادقی؛ (۱۳۹۴)، تحلیلی بر پدیده قاچاق در مناطق مرزی ایران و پیامدهای امنیتی آن، فصلنامه علوم و فنون مرز، سال ششم، شماره ۲.

- Co. Chugh, R.L and Uppal, J. S (1986). Black Economy in India. New Dehli: Tata McGraw-Hill pub.
- Aregbeyen, Omo (2012). An Investigation of the Severity, Causes, Impact and Actions against Counterfeiting and Smuggling in Nigeria. Mediterranean Journal of Social Sciences, Vol. 3 (1), p: 379-392.
- Tamura, Yuji. (2010) Migrant smuggling, Journal of Public Economics , Volume 94, Issues 7-8,

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی